

قاچاق انسان، بردگی در عصر جدید

سیداحمد موثقی*

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

گلپر اسفندیاری

کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز

(تاریخ دریافت: ۱۶/۷/۲۰ - تاریخ تصویب: ۱۷/۱/۲۷)

چکیده:

در عصر حاضر قاچاق تبدیل به یک پدیده فراگیر شده و می توان گفت هیچ کشوری در دنیا یافت نمی شود که از این بلیه در امان باشد. اما در میان انواع قاچاق، قاچاق انسان به دلیل سود سرشار آن بسیار مورد نظر باندهای سازمان یافته قرار گرفته است. به ویژه قاچاق زنان و دختران برای استفاده از آنان در اماکن فساد و وادار کردن آنها به روسپیگری و یا استفاده از آنان به عنوان پیشخدمت، گسترش قابل توجهی یافته است. افزایش قاچاق انسان بالاخص زنان و دختران به صورت یک فاجعه جهانی درآمده و دولت ها با وجود تمام تلاشی که می کنند نتوانسته اند در مهار آن موفقیت چندانی به دست آورند. پرسشی که در اینجا مطرح است آن است که چه عواملی باعث بروز و گسترش این پدیده زیانبار شده و آیا راهکاری دست کم برای کاهش آن وجود دارد؟ آیا این پدیده مختص کشورهای جهان سوم است و یا در کشورهای توسعه یافته هم وجود دارد؟ این مقاله درصدد یافتن پاسخ هایی برای این پرسش ها است.

واژگان کلیدی:

قاچاق انسان - قاچاق مهاجران - پناهندگی - تبعیض جنسی - زنان - خشونت - بردگی

مقدمه

مسأله قاچاق انسان (Human Trafficking) به ویژه زنان و کودکان تبدیل به یک پدیده عام و جهانی شده که آثاری گسترده بر جوامع مختلف و در کل جامعه جهانی داشته است. البته این مسأله در جوامع فقیر و توسعه نیافته پررنگ تر بوده و شکل حاد و بحرانی به خود گرفته است. سلطه مردان در نظام‌های خانوادگی، اجتماعی و سیاسی پدرسالار، منشأ بسیاری از نابرابری‌ها و خشونت‌هاست و نتیجه این نابرابری و خشونت به شکل طلاق و فرار از خانه بروز می‌کند. این موضوع، به ویژه در کشورهای جهان سوم آشکارتر است «سهم زنان در کشورهای جهان سوم، سهم پرمشقتی است، زنان بی‌ناترین بی‌نویانند. زیر فشار بی‌عدالتی در کشور خود در سطح جهانی وزیر فشار نظام خانوادگی که به پدران و شوهران و برادران دست برتر داده است، ستم مضاعفی را تحمل می‌کنند» (پل هریسون، ۱۳۶۴، صص ۳۸۸-۸۹) قربانیان این محیط و شرایط، یعنی زنان و کودکان، با تصور نجات و یافتن پناهگاه و رهایی خویش، در دام شبکه‌های جنایتکار بین‌المللی گرفتار می‌شوند (جنایات سازمان یافته) و چون این شبکه‌ها و فعالیت‌هایشان جنبه غیرقانونی و تبه‌کارانه دارند، امکان شکایت در مراجع قانونی باقی نمی‌ماند. تصور این امر سخت است که در دنیایی که این همه در آن سخن از حقوق بشر به میان می‌آید، هنوز بردگی و اسارت رواج دارد. میلیون‌ها نفر در سراسر دنیا در خفا از شرایط برده و ارکار اجباری (Forced labor) و سوءاستفاده جنسی (Sexualexploitation) برای مقاصد تجاری رنج می‌برند و نمی‌توانند خود را از آن رها سازند.

قاچاق انسان یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های حقوق بشر است و ابعاد زیان‌بار این پدیده باعث شده امنیت و سلامت روحی و روانی، اقتصادی - اجتماعی و سیاسی جوامع در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی به خطر بیفتد. جنبش‌های طرفدار حقوق بشر به ویژه جنبش‌های طرفدار حقوق زنان و کودکان به سختی می‌توانند بر روند جریان‌های ظالمانه حاکم بر جوامع تأثیر بگذارند. این مقاله می‌کوشد به زمینه‌ها و علل و آثار قاچاق انسان به ویژه زنان بپردازد و در ادامه به اسناد و رویه‌های بین‌المللی که در جهت جلوگیری از قاچاق انسان (به ویژه زنان) تصویب شده، پرداخته می‌شود و نارسائی‌های موجود در این زمینه که منجر به کندی و عدم موفقیت در مهار این پدیده شده هم اشاره می‌شود.

تعریف قاچاق انسان

مسأله قاچاق اشخاص معمولاً بر حسب قاچاق زنان، قاچاق زنان و کودکان یا قاچاق برای مقاصد بهره‌کشی جنسی مورد بحث قرار می‌گیرد. همچنین قاچاق انسان قرار دادن انسان در شرایط کار اجباری یا دیگر اشکال بیگاری غیرداوطلبانه نیز می‌باشد. بنابراین، قاچاق انسان

به گونه‌ای تعریف می‌شود که هم مقاصد جنسی و هم مقاصد غیرجنسی را دربر بگیرد (اشتری، ۱۳۸۵، ص ۱۷).

سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۴ قاچاق زنان را این‌گونه تعریف می‌کند: «انتقال غیر قانونی و مخفیانه اشخاص از مرزهای ملی، عمدتاً از سوی کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای اقتصاد در حال گذار، با هدف نهاییِ واداشتن زنان و دختران به پذیرش وضعیت‌هایی بهره‌کشانه و ستمگرانه از لحاظ جنسی و تجاری، برای سود بکارگیرندگان، قاچاقچیان و سندیکاهای جنایتکار، و نیز دیگر فعالیت‌های مرتبط با قاچاق، نظیر کار خانگی اجباری، ازدواج دروغین، استخدام مخفیانه و فرزندخواندگی دروغین» (<http://www.no-trafficking.org/content/about-human-trafficking/about-human.htm>) سازمان غیردولتی ائتلاف جهانی علیه قاچاق زنان نیز این پدیده را چنین تعریف می‌کند: «همهٔ اعمال متضمن به کارگیری و یا نقل و انتقال یک زن در درون و از مرزهای ملی برای کار یا خدمات به وسیلهٔ خشونت یا تهدید به خشونت، سوء استفاده از اقتدار یا موقعیت مسلط، اسارت، وام، فریب یا دیگر اشکال تحمیل» (اشتری، ۱۳۸۵، صص ۱۸-۱۷).

در مادهٔ سوم پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص، به ویژه زنان و کودکان، مصوب سال ۲۰۰۰ ذکر شده: «قاچاق، شامل استخدام، انتقال و جابجایی، پناه دادن یا گرفتن اشخاص به وسیلهٔ تهدید یا کاربرد زور یا دیگر اشکال تحمیل، آدم ربایی، تقلب، فریب، سوء استفاده از قدرت یا موقعیت، دریافت و پرداخت و منافع، برای کسب رضای فردی که بر شخص دیگری کنترل دارد، به منظور بهره‌کشی جنسی، کار و خدمات اجباری، بردگی یا رویهٔ مشابه آن، بیگاری یا برداشتن اندام‌های بدن، می‌شود» (<http://www.newspaper.com/1840115/html/women.html>)

همان‌طور که از تعاریف بالا برمی‌آید، خشونت، فریب و اجبار از ویژگی‌های بارز قاچاق انسان است. قاچاق انسان از نظر حقوقی در زمرهٔ جرایم سازمان یافته است. هدف اصلی از پیدایش این سازمان‌ها کسب منافع مالی است. سازمان‌های بزه‌کار سعی می‌کنند بر اساس مدل‌های مرسوم در فعالیت‌های سازمان یافته و مشروع اقتصادی به فعالیت بپردازند. با این تفاوت که سودی که به دست می‌آورند جنبهٔ قانونی ندارد. چون این سازمان‌ها به دنبال تحصیل منافع مالی و قدرت هستند، لذا به دنبال آن دسته از فعالیت‌هایی می‌روند که بیشترین سود را برای آنها داشته باشد که از جملهٔ آنها همین قاچاق انسان است (معظمی، ۱۳۸۴، صص ۳۴-۳۳).

تفاوت قاچاق انسان و قاچاق مهاجر

حرکت جمعیت از مکانی به مکان دیگر در تاریخ بشر همواره وجود داشته است. اما امروزه این جابه‌جایی اشکال جدیدی پیدا کرده است. شکل گرفتن دولت‌های ملی،

نابرابری‌های عظیم اجتماعی - اقتصادی و چالش‌های امنیتی این پدیده را بسیار دگرگون ساخته است (الهه کولائی، فصلنامه سیاست، دوره ۳۷، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۶، ص ۱۵۴) جابه‌جایی انسان می‌تواند به طور کلی به دو دسته تقسیم شود ۱- اجباری ۲- داوطلبانه «مردم به دلایل گوناگون مانند حملات نظامی، فجایع طبیعی، سرکوب یا نظایر آن ناچار از ترک کشور خود می‌شوند. این گروه در جستجوی پناهندگی به کشورهای دیگر روانه می‌شوند مشمول تعریف‌های پناهندگان یا آوران داخلی می‌شوند. آنان برای یافتن شرایط بهتر نه از روی میل بلکه اجبار جابه‌جا می‌شوند...» (همان، ص ۱۵۵)

اما در نوع دوم افراد برای یافتن شرایط بهتر برای زندگی مهاجرت می‌کنند. (http://www.Unodc.org/undoc/en/trafficking_victim_consent.html) در برخی زمینه‌ها، قاچاق انسان شبیه به قاچاق مهاجر (smuggling migrant) که موضوع پروتکل دیگر (پروتکل علیه قاچاق مهاجر از طریق زمین، دریا و آسمان) است می‌باشد. اما تفاوت‌های مهمی میان این دو وجود دارد. قاچاق مهاجر که معمولاً در شرایط خطرناکی روی می‌دهد رضایت مهاجران را در بر می‌گیرد. اما قربانیان قاچاق انسان هرگز رضایت نداشتند و اگر هم باطناً راضی بودند، این رضایت به واسطه رفتارهای اجباری، فریبکارانه یا سوءاستفاده‌گرانه قاچاقچیان به دست آمده و آن را بی‌معنا می‌کند تفاوت مهم دیگر آن است که قاچاق مهاجر با ورود آنها به مقصدشان تمام می‌شود در حالی که قاچاق انسان بهره‌برداری مداوم را از قربانیان در بر می‌گیرد به طوری که منافع نامشروع برای قاچاقچیان تولید کند. از نقطه نظر دیگر به نظر می‌رسد قربانیان قاچاق انسان بیشتر آسیب دیده‌اند و به حمایت بیشتری در برابر قربانی شدن مجدد و سایر اشکال سوءاستفاده بیشتر نسبت به مهاجران قاچاق شده نیاز دارند و نهایت اینکه قاچاق انسان همیشه فرامولی است در حالی که قاچاق انسان صرف نظر از اینکه قربانیان از کشوری به کشور دیگر قاچاق می‌شوند، فقط از یک محل به محل دیگر در مرزهای همان کشور جابه‌جا می‌شوند روی می‌دهد.

علل و زمینه‌های بروز قاچاق انسان

برای بررسی علل بروز قاچاق انسان، بایستی توجهی به کشورهای مبدأ و مقصد داشته باشیم. همان‌طور که در مورد مهاجرت بین‌المللی نیروی کار در کل می‌توان گفت، در مورد پدیده مورد بحث به طور خاص نیز می‌توان گفت همواره افراد از کشورهای دچار مشکلات اقتصادی و گرفتار فقر و بیکاری و انفجار جمعیت و یا جنگ‌های داخلی و منازعات مسلحانه (به طور کلی کشورهای توسعه نیافته)، به سمت کشورهای ثروتمند و توسعه یافته قاچاق می‌شوند. انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی هم ابعادی گسترده به قاچاق انسان داده، به ویژه اگر به

تأثیری که رسانه‌های ارتباطی در ایجاد انتظارات و تغییر سلیقه‌ها و الگوهای مصرفی دارد، توجه شود.

در میان علل قاچاق انسان، فقر و بیکاری مهمتر هستند. در این مورد به ویژه زنان، دختران و کودکان آسیب پذیرترند و بیشتر قربانیان قاچاق انسان را هم همین افراد تشکیل می‌دهند. به نظر اسکار لویس «بچه‌ها و زنان که بخشی از نیروی کار را تشکیل می‌دهند، تحت اجبار و اضطراب ضرورت اقتصادی کار می‌کنند؛ به آنها کارهای سخت و طاقت‌فرسا و مشاغل پست، ملال آور و تکراری داده می‌شود، و تقریباً همیشه دستمزد کمی دریافت می‌کنند» (دیوب، ۱۳۷۷، ص ۱۴۶).

به نظر لویس برخی خصیصه‌های اجتماعی و روان‌شناختی، مشخصه فرهنگ فقر هستند: مردم از روی ضرورت مجبورند در محله‌های شلوغ و پرجمعیت زندگی کنند که پیامدهای آن دوجانبه است: در حالی که عموماً حریم زندگی خصوصی وجود ندارد، زندگی جمعی و گروهی افزایش می‌یابد. شیوع فراوان اکلیم و توسل مکرر به خشونت در حل منازعات، تربیت فرزند و ازدواج در جهت اطاعت از امیال و خواسته‌های شوهر، وجود دارد. پاگشایی به امور جنسی در زندگی به طور زودرس اتفاق می‌افتند و از نقض هنجارهای مربوط به پیوندهای زناشویی به آسانی چشم‌پوشی می‌شود. رابطه و پیوند زناشویی ضعیف و شکننده است؛ متارکه و طلاق عمومیت دارد. رها کردن مادر و بچه‌ها در حد نسبتاً بالایی رواج دارد... به طور کلی ساختار خانواده اقتدارگرا است. (همان، ص ۱۴۷)

طبق گزارش کمیسیون جنوب (۱۹۹۲) زنان در کشورهای در حال توسعه «فشار مضاعف فقر و تبعیض» و نیز «بی‌سواد و سوء‌تغذیه» را تحمل می‌کنند و سهم و نقش آنها در برنامه‌های توسعه و دگرگونی‌های اقتصادی-اجتماعی نادیده گرفته می‌شود و حتی در برخی کشورها حق مالکیت زمین را ندارند. برنامه‌های تعدیل اقتصادی دهه ۱۹۸۰ هم وضع زنان را وخیم‌تر کرده، به طوری که بسیاری از آنان شغل خود را در بخش رسمی اقتصاد از دست داده‌اند. مشکلات فزاینده اقتصادی در مناطق شهری «زنان را وادار کرده است تا به قبول مشاغل بسیار کم درآمد، و در مواردی فحشاء، تن در دهند» (نایره، ۱۳۷۶، ص ۱۴۲-۱۴۱). بنابراین گرچه یکی از راهکارهای جلوگیری از استثمار زنان و تن دادن به بهره‌کشی جنسی برای رفع نیازهای اولیه زندگی، خود اتکایی مالی و داشتن شغلی ثابت و ایمن است، اما متأسفانه زنان در این زمینه هم از مردان آسیب‌پذیرترند «رشد صنایع و شهرنشینی هم به منافع زنان کمکی نکرد زیرا آموزش آنان کمتر از مردان است لذا زنان به بخش غیرصنعتی که خود به خود بخش پرجمعیتی است، رانده می‌شوند که دستمزد آن کمتر است» (پل هریسون، صص ۹۱-۳۹۰)

مارلی هاج استاد دانشگاه و از فعالان سیاسی در زمینه حقوق زنان با اشاره به برنامه‌های تعدیل اقتصادی بر این نکته تأکید دارد که این برنامه‌ها با کاهش هزینه‌های دولتی در امور اجتماعی، فشار به زنان را بیشتر کرده و آنان مجبور می‌شوند در بخش غیررسمی اقتصاد با دستمزدی در حد بخود و نمیر مشغول شوند و بار اصلی تشدید بحران اجتماعی نظیر فقر و ولگردی و جرم و جنایت به دوش زنان است (احمد سیف، ۱۳۸۰، ص ۱۰۳-۹۹).

حتی پیشرفت در کشورهای در حال توسعه، به جای اینکه موجب بهبود وضع زنان شود، آن را بدتر کرد زیرا باعث تقسیم نابرابر کار میان زنان و مردان شد. زنان در مقابل کار سخت‌تر و بیشتر مزد کمتری می‌گیرند (کشورهای آفریقای مرکزی از این نظر حادثترین وضع را دارند در بیشتر کشورهای آمریکایی و آسیایی روزی ۱۶ ساعت کار می‌کنند و سلامت خود و نوزادشان را به خطر می‌اندازند...) (پل هریسون، ص ۳۹۱) نکته قابل توجه دیگر آن است که فقر تنها روی خود قربانیان مؤثر نیست، بلکه این عامل خود باعث گرایش افراد به مبادرت به قاچاق انسان هم می‌شود. وقتی فرصت‌های شغلی برای کسب درآمد متناسب با جمعیت نباشد افراد می‌کوشند از طرق غیرمشروع به اهداف خود برسند، لذا متناسب نبودن نقش‌ها و پاداش‌ها از علل گرایش افراد به قاچاق انسان می‌تواند باشد. در شرایطی که یک قاچاقچی انسان از درآمد بالایی برخوردار است و قانون هم معترض او نمی‌شود بی شک گرایش به این نوع مشاغل کاذب افزایش می‌یابد.

در کنار محرومیت‌های اقتصادی، نبود امنیت چه در سطح خانواده و چه در سطح ملی (به شکل منازعات مسلحانه داخلی) خود از عوامل گرایش افراد به مهاجرت‌های غیرقانونی و در نهایت گرفتاری در دام شبکه قاچاق انسان است. مردم به دلایل گوناگون مانند حملات نظامی، فجایع طبیعی، سرکوب و نظایر آن ناچار از ترک کشور خود می‌شوند. (IMO, 2003, 9) همین امر زمینه را برای قاچاقچیان انسان که مترصد چنین فرصتهایی هستند فراهم می‌کند. در واقع آنان با استفاده از درماندگی این قبیل افراد، آنها را وادار به اطاعت از امیال و اهداف خود می‌کنند. در طول بحران کوزوو، زنان و دختران از اردوگاه‌های پناهندگان شمال آلبانی توسط دزدان مسلح دزدیده شده و یا به صور دیگر فریفته شدند. (<http://www.un.org/wcAR/ekit/Backgrounder2.htm>)

کشمکش‌های درون خانواده، اعتیاد والدین و طلاق موجب می‌شود تعدادی بیشتر از دختران، محیط نامساعد خانه را ترک کرده و به درون جامعه بیایند. به اعتقاد سخنگوی مؤسسه بین‌المللی حمایت از حقوق کودکان، امروزه فرزندان زوجهای مطلقه بیشتر در معرض خطر گرفتاری در دام قاچاقچیان قرار دارند. (<http://www.iran-ewspaper.com/1384/840115/html/women.html>)

خشنوت موجود در نظام‌ها و جوامع پدرسالار محیطی ناامن را برای زنان و دختران ایجاد کرده «همانطور که طرفداران حقوق زن استدلال می‌کنند، زنان به خاطر اینکه از نظر بیولوژیک یک زن هستند مورد ستم و سرکوب قرار نمی‌گیرند بلکه به عنوان یک بر ساخته اجتماعی تصویری که از زنان به عنوان «جنس دوم» و فرودست و خانه‌دار و دارای وظایف و مسوولیت‌های خانه و بچه‌داری درست شده و در ایدئولوژی‌ها و ساختارهای اجتماعی نهادیه شده مورد سرکوب قرار می‌گیرند». (Chriscorrin, feminist perspective on Politics, London & New york; Longman, 1999, pp. 3-5)

از دیگر عوامل مؤثر در رابطه با این پدیده، سن کم و سطح پائین تحصیلات قربانیان قاچاق است. این افراد در سنین بین ۱۴ تا ۲۵ سال هستند. سن کم نشانه آسیب‌پذیری دختران در برابر سوء استفاده‌های جنسی است. از آنجا که اغلب قربانیان قاچاق، از اقشار فقیر هستند، از نظر تحصیلی در سطوح راهنمایی و دبیرستان و در رده سنی ۱۵ تا ۱۷ سال هستند. کارشناسان معتقدند دخترانی که طعمه این باندها می‌شوند غالباً تحصیلات کمی دارند... اما گزارشات اخیر نشان می‌دهد بعضی از دختران دارای تحصیلات عالی نیز به این مسیر کشانده شده‌اند. این وضع بیشتر در کشورهای جهان سوم دیده می‌شود، چنانکه سخنگوی مؤسسه بین‌المللی حمایت از حقوق کودکان بیان می‌کند که در سال ۱۹۹۵ بیشتر دخترانی که از کشور آلبانی قاچاق شده‌اند، تحصیل کرده بودند، ولی امروزه تعداد دختران تحصیل کرده که برای فحشا قاچاق می‌شوند، کاهش یافته است.

([http://www.iran-newspaper.com/1384 / 840115/html/ women.htm](http://www.iran-newspaper.com/1384/840115/html/women.htm))

در نتیجه پایین بودن سطح تحصیلات، فقر فرهنگی هم به تبع آن ظاهر می‌شود، آموزش و تحصیلات باعث تحرک اجتماعی و کسب مهارت و توانایی‌های علمی و درآمد موقعیت برای افراد (به ویژه زنان) می‌شود زیرا کمبود تحصیلات باعث عقب‌ماندگی و در نتیجه آسیب‌پذیری آنها می‌شود. بنابراین می‌توان گفت یکی دیگر از راهکارهای مبارزه با این پدیده و توانمند ساختن زنان، آموزش و پرورش مناسب است. زیرا تنها از این طریق می‌توان آنها را از حق و حقوق خود آگاه کرد «آموزش و پرورش راه به دست آوردن دستمزد، کارایی و مهارت بیشتر است اما در این راه برای زنان موانع بیشتر وجود دارد تا برای مردان. در سال ۱۹۸۰ از ۷۹۵ میلیون بی‌سواد جهان ۴۸۰ میلیون (یعنی ۶۰ درصد) زن بودند. در کشورهای در حال توسعه امکان ورود دختران به مدرسه بیشتر کمتر از پسران است گرچه این اختلاف از سال ۱۹۶۰ به بعد کمتر شده اما هنوز هم اختلاف قابل ملاحظه‌ای است. دلیل نقائص آموزش و پرورش دختران را باید بیشتر در خانه جستجو کرد. از دختران انتظار می‌رود که در سن پایین‌تری نسبت به پسران کارهای بزرگسالان را بر دوش گیرند» (پل هریسون، ص ۳۹۳)

در کنار این علل، بحران در نظام ارزش‌ها و اخلاقیات نیز به نوبه خود نقش به‌سزایی دارد.

باورهای دینی، اخلاقی و معنوی به طور مستقیم می‌تواند عاملی بازدارنده در برابر انحراف و آسیب‌های اجتماعی باشد. اما با بحران اخلاقی و معنوی و مذهبی موجود در بسیاری از کشورها یک بحران هویت و تعارض ارزش‌ها ایجاد شده است. به قول دیوب، «خشونت همچنان روبه افزایش است و تخریب ارزشهای اخلاقی دیگر بیش از این موجب تنفر و انزجار نمی‌گردد. فساد یک شیوه زندگی شده و در حال عقلانی شدن است» (دیوب، ۱۳۷۷، ص ۲۷).

یکی دیگر از دلایل گسترش پدیده قاچاق انسان، عدم وجود قوانین مناسب و کارآمد برای برخورد با قاچاقچیان به عنوان مجرم و مجازات آنهاست. بسیاری از کشورها یا هنوز قوانین مناسب در این رابطه ندارند و یا در اجرای این قوانین با مشکلاتی مواجه هستند. حتی در برخی کشورها به دلیل همین مشکلات حقوقی قاچاقچیان انسان، احساس خطری کمتر نسبت به قاچاقچیان مواد مخدر می‌کنند. حتی در صورت شناسایی این گروه‌ها، قربانیان به دلیل ترس از انتقام، قاچاقچیان نسبت به خود و خانواده‌شان، جرأت اظهار نظر و شهادت در دادگاه را ندارند. قاچاقچیان انسان سعی می‌کنند با اعمال کنترل بر هویت حقوقی قربانیان، به عراق مختلف نظیر مصادره گذرنامه و اسناد هویت، پول و تهدید و شکنجه فیزیکی، به اهداف خود برسند. از سوی دیگر، چون ورود قربانیان قاچاق به کشور مقصد معمولاً غیرقانونی است، این

امر به افزایش اتکاء قربانی به قاچاقچی کمک می‌کند. (<http://www.un.org/WCAR/e-kit/background2.htm>)

حتی در بیشتر کشورهای اروپایی، اگر این افراد بخواهند از اسارت دلان رهایی یابند، در بازداشتگاه‌هایی گرفتار خواهند شد که برای برگرداندن مهاجران غیرقانونی به کشورشان در نظر گرفته شده است. موضوع دیگر، همکاری بعضی از عناصر پلیس با قاچاقچیان است. «مصطفی آریانا» از مشاوران حقوقی سازمان امنیت و همکاری اروپا در کوزوو گزارش می‌کند که قاچاقچیان انسان با قضات تبانی کرده و آنها را می‌خرند. (<http://www.iran-newspaper.com/1384/840115/html/women.htm>)

گسترده‌گی قاچاق انسان در جهان

پدیده قاچاق انسان، به ویژه قاچاق زنان از سابقه طولانی برخوردار بوده و در گذشته به صورت نهاد برده‌داری جلوه‌گر بوده است. اما، از ابتدای قرن ۱۹ سازمان‌های سیاسی اروپا با قبول اصول کلی آزادی‌های بشر به مبارزه علیه بردگی پرداختند و این قضیه جنبه بین‌المللی پیدا کرد. با وجود این، حتی در عصر ما نیز بردگی انسان‌ها، به ویژه زنان و دختران، به شکل خرید و فروش آنها به منظور خدمتکاری یا واداشتن آنها به فحشا هنوز هم ادامه دارد، به‌گونه‌ای که برخی آن را بردگی نوین یا شکل مدرن بردگی نامیده‌اند (اشتری، ۱۳۸۵، ص ۳۰).

امروزه هیچ نقطه از جهان را نمی‌توان یافت که از این پدیده و آثار مخرب آن برکنار باشد، اما در برخی از نقاط جهان، این پدیده نمودی بیشتر دارد. در این قسمت تلاش بر آن است که آن مناطقی از جهان را که آثار این پدیده در آن‌ها مشهودتر است، مورد بررسی قرار دهیم تا بتوان نمایی کلی از این معضل خاموش در جهان ارائه کرد.

اروپا

از ابتدای دهه ۱۹۹۰، به ویژه بعد از فروپاشی شوروی و بلوک شرق، موضوع قاچاق انسان در سطح جهان ابعادی گسترده یافته به طوری که امروزه تمام کشورهای اروپایی در امر واردات زن به صورت کالا و گارگر جنسی (Sextual labor) فعالیت دارند. چنانچه در آلمان ده هزار زن اهل کشورهای چک، لهستان و بلغارستان، بر خلاف میل خود در میخانه‌ها و کلوب‌ها کار می‌کنند و بر اساس برآوردهای کمیسیون اروپا، سالانه ۵۰۰ هزار زن و کودک به اروپای غربی قاچاق می‌شوند. (<http://www.iran-newspaper.com/1384/840115/html/women.htm>)

میزان قاچاق مهاجران زن و کودک از اروپای شرقی و مرکزی، پس از باز شدن مرزهای جنگ سرد بسیار بالا رفته است و در واقع مشکل اصلی قاچاق زنان در این منطقه از اوایل دهه ۹۰ آغاز شد که بعد از فروپاشی حکومت‌های کمونیستی در آن منطقه و افزایش بحرانهای اقتصادی و سیاسی، برای رسیدن به وضعیت بهتر جلائی وطن کردند. (اشتری، ۱۳۸۵، ص ۳۳). اما در دو کشور اروپایی یعنی بوسنی و ایتالیا، این معضل شکلی جدی‌تر به خود گرفته است:

الف: بوسنی

امروزه بوسنی به صورت یک مقصد نهایی مهم برای زنان قاچاق شده از شرق اروپا درآمده و بخشی عمده از این زنان برای روسپیگری، به کشورهای شرق اروپا به ویژه بلغارستان، قزاقستان، مولداوی، رومانی و اوکراین تعلق دارند (اشتری، ۱۳۸۵، ص ۳۶). به نظر سازمان ملل نبود کنترل کافی در طول مرز بوسنی با کرواسی و یوگسلاوی از علل بروز این مشکل است. به طور متوسط ماهانه یک تا سه هزار نفر وارد بوسنی می‌شوند که اکثر این افراد از کشورهای ترکیه، ایران، هند و تونس هستند (همان، ۱۳۸۵، ص ۳۷).

ب: ایتالیا

بر اساس گزارشی که به پارلمان ایتالیا داده شد، سالانه ۱۰ هزار مهاجر غیرقانونی از ۵۰ کشور به ایتالیا قاچاق می‌شوند و این کار به یکی از پول سازترین کارهای غیرقانونی مافیای ایتالیا تبدیل شده است. در بسیاری موارد قاچاق انسان و برداشتن اندام‌های بدن، تحت عوامل

«فرزندخواندگی» در ایتالیا انجام می‌شود. گزارش‌ها حاکی از آن است که سالانه ۲۰ تا ۳۰ هزار زن به طور غیرقانونی وارد ایتالیا می‌شوند. این زنان از کشورهای نظیر اوکراین، آلبانی و مولداوی به ایتالیا وارد می‌شوند. این زنان از مولداوی به قیمت ۱۵۰ دلار خریداری می‌شوند و به محض ورود به ایتالیا به قیمت ۵۰۰۰ دلار به دلالتان فروخته می‌شوند. این بردگان باید بتوانند به ماهانه تا ۲۵ هزار دلار برای صاحبان خود درآمد ایجاد کنند (اشتری، ۱۳۸۵، صص ۳۸-۳۳).

قاره آسیا

سازمان بین‌الملل مهاجرت می‌گوید که در آسیا، مسیر اصلی تجارت زنان و کودکان از ویتنام و تایلند به کامبوج، چین و سنگاپور است (اشتری، ۱۳۸۵، صص ۴۰). این زنان مجبور می‌شوند که یا در شرایط بسیار سخت و برده‌وار کار کنند یا وادار می‌شوند در مراکز فحشا، مورد سوء استفاده قرار گیرند. در این قسمت به وضعیت کشورهای مثل ژاپن، چین، و در منطقه اقیانوسیه به استرالیا اشاره‌ای مختصر خواهد شد.

الف: ژاپن

ژاپن هم یک مبدأ و هم یک مقصد برای قاچاق انسان است. این قاچاقچیان از اعضای سندیکاهای سازمان یافته جنایی هستند که در این مورد به خصوص می‌توان به یاکوزاها (Yakuza) اشاره کرد. زنان و کودکان از کشورهای مثل چین، آسیای جنوب شرقی، اروپای شرقی و آمریکا لاتین جهت کار اجباری و یا سوء استفاده جنسی به ژاپن قاچاق می‌شوند. بنا به گزارش‌های سازمان‌های غیردولتی، قاچاقچیان از مواد مخدر برای تسلط بر قربانیان خود استفاده می‌کنند (<http://humantrafficking.org/countries/jpan>).

برای سال‌های متمادی، دولتمردان ژاپنی در برابر کاهش قاچاق انسان مقاومت می‌کردند، گرچه ژاپن از امضاءکنندگان پروتکل سازمان ملل در مبارزه با قاچاق انسان بود، ولی چون ژاپن فاقد قانونی در این زمینه بود، نتوانست آن پروتکل را تصویب کند. در سال ۲۰۰۴ طبق گزارش لیست ناظر بر قاچاق انسان وزارت کشور ایالات متحده آمریکا، ژاپن در لیست کشورهای مقصد قاچاق انسان قرار گرفت. «همچنین طبق این گزارش، این کشور از حداقل استانداردهای لازم برای مبارزه با قاچاق انسان برخوردار نیست. (<http://humantrafficking.org/updates/392>) حتی در گزارش وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۷ مربوط به قاچاق انسان این مسأله مجدداً تکرار شد و ژاپن طبق این گزارش در ردیف دوم کشورهای قرار گرفت که همراهی لازم را در رعایت حداقل استانداردهای قانون حمایت از قربانیان قاچاق انسان برای نابودی این پدیده، نمی‌کنند (<http://humantrafficking.org/countries/jpan>).

به همین دلیل، دولتمردان ژاپنی که آبروی خود را در خطر دیدند، شروع به تغییر قوانین و یا تصویب قوانین جدید کردند. قانون جزا، قانون استانداردهای کار، قانون منع خودفروشی، قانون رفاه کودکان و قانون مربوطه به مجازات خودفروشی کودکان و تهیه فیلم‌ها و عکس‌های مستهجن از آنها، از جمله قوانینی هستند که انواع مختلف قاچاق انسان را جرم شناخته و مجرمان طبق این قوانین تا ۷ سال به زندان محکوم می‌شوند. آمار نشان می‌دهد که در سال ۲۰۰۶ دولت ژاپن ۷۸ مورد مظنون به قاچاق انسان را دستگیر کرده، ۱۷ مورد را محاکمه و ۱۵ قاچاقچی را به یک تا ۷ سال زندان محکوم کرده است. همچنین دولتمردان ژاپنی کمک‌هایی به قربانیان قاچاق ارائه دادند. از جمله آنکه قربانیان را در پناهگاه‌هایی سکنی دادند. همچنین دولت به قربانیان، مراقبت‌های پزشکی و کمک هزینه بازگشت به میهن خود از طریق سازمان بین‌المللی مهاجرت (Iom) ارائه کرد. با وجود این به اندازه کافی، همه قربانیان قاچاق را شناسایی نکرده و حتی در مواردی آنها را به عنوان مجرم شناخته است. با توجه به گزارش سازمان غیردولتی (Polarisprojectjapan) در سال ۲۰۰۶ تعداد کمی از قربانیان توسط دولت شناسایی و حمایت شدند. سازمان بین‌المللی مهاجرت هم اظهار داشت که آنها تنها ۵۰ تن از زنان قاچاق شده را با حمایت دولت به وطن اصلی خود بازگرداندند. (<http://humantrafficking.org/countries/Jpan>)

البته دولت ژاپن اقداماتی هم برای پیشگیری از قاچاق انسان انجام داده است. به عنوان مثال، دولت ۵۰۰ هزار نسخه اطلاعیه به زبان‌های مختلف برای قربانیان قاچاق و همچنین ۲۵ هزار نسخه اطلاعیه دیگر که پیوند بین خود فروشی و قاچاق انسان برای سوء استفاده جنسی را نشان می‌دهند، منتشر کرد. همچنین دولت با اعطا کردن ۲ میلیون دلار به سازمان بین‌المللی کار (ILO) برای تلاش‌های ضد قاچاق انسان در تایلند و فیلیپین، اقدام‌هایی مثبت برای مبارزه با این پدیده برداشته است (<http://humantrafficking.org/countries/Jpan>).

حتی دولت ژاپن همکاری‌های نزدیک با دیگر کشورها برای مبارزه با قاچاق انسان انجام داد. از جمله می‌توان به آغاز همکاری ژاپن و تایلند از اواسط ماه می ۲۰۰۶ اشاره کرد که در آن برخی مسئولین ژاپنی مثل وزیر خارجه، وزیر دادگستری و رئیس سازمان پلیس ملی ژاپن هم شرکت داشتند. دلیل انتخاب تایلند در این همکاری آن بود که بسیاری از قربانیان قاچاق در ژاپن تبعه تایلند بودند. بنا به گزارش پلیس ژاپن ۱۶۹ نفر از ۳۹۷ قربانی که از ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ به ژاپن آورده شدند تایلندی بودند (<http://humantrafficking.org/updates/392>).

برای مبارزه با قاچاق انسان در ژاپن، برخی کشورها از جمله آمریکا و یا سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی پیشنهاداتی ارائه کردند. وزارت کشور آمریکا پیشنهاد کرد که دولت ژاپن باید در شناسایی اماکنی که برای اهداف تجاری به استثمار جنسی از افراد می‌پردازند تلاشی بیشتر کند و نیز باید تحقیق و تفحص برای شناسایی شرایط کار اجباری کارگران، بهره‌کشی

جنسی از زنان و کودکان ژاپنی و ازدواج‌های دروغین به عنوان وسیله‌ای برای قاچاق انسان را، افزایش دهد. سازمان غیردولتی (Polaris Projectjpan) پیشنهاد می‌کند که دولت ژاپن باید ابتکار بیشتری در شناسایی مشاغل مظنون به قاچاق انسان به کاربرد و برای اجرای دعاوی علیه قاچاقچیان، قانون تهیه فیلم و عکس‌های مستهجن از کودکان را بازنگری کند تا دسترسی، خرید و مالکیت این قبیل فیلم‌ها و عکس‌ها جرم شناخته شود (<http://humantrafficking.org/countries/jpan>)

چین

جمهوری خلق چین یک مبداء، معبر و یک مقصد برای قاچاق انسان است. زنان و کودکان چینی برای سوء استفاده کاری و جنسی به مالزی، تایلند، انگلستان، ایالات متحده امریکا، استرالیا، اروپا، کانادا، ژاپن، ایتالیا، برمه، سنگاپور، آفریقای جنوبی و تایوان قاچاق می‌شوند. بسیاری از چینی‌ها با وعده‌های دروغین استخدام فریفته می‌شوند و بعد به خودفروشی و کار اجباری وادار می‌شوند. در مناطق فقیرتر بیشتر زنان قاچاق شده به عنوان همسر به مردهای پیر و علیل مجرد فروخته می‌شوند. در مناطق ثروتمندتر بیشتر زنان به مراکز فحشا، آرایشگاه‌ها، اتاق‌های ماساژ و حمام‌ها فروخته می‌شوند. همچنین کودکان چینی دزدیده شده و برای فرزند خواندگی فروخته می‌شوند. همچنین چین یک کشور مقصد برای زنان و کودکانی است که از مغولستان، برمه، کره شمالی، روسیه، ویتنام، اکراین و لائوس برای سوء استفاده کاری و جنسی قاچاق می‌شوند. بنا به گزارش‌ها زنان کره شمالی در چین بین ۳۸۰ تا ۱۲۶۰ دلار معامله می‌شوند. آمار دقیقی از زنان قربانی قاچاق در چین وجود ندارد، اما دلایل زیادی برای قاچاق انسان در چین وجود دارد. سازمان غیردولتی «فدراسیون تمام زنان چین» گزارش می‌دهد رشد اقتصادی ناگهانی و سریع در طول سواحل شرقی چین و انبوه کارگران اضافه در مناطق روستایی منجر به مهاجرت‌های داخلی وسیع شده است. این جابه‌جایی عظیم فرصتی مناسب برای قاچاقچیان جهت فریب زنان و دختران فراهم کرده است. برخی کارشناسان و سازمان‌های غیردولتی معتقدند کمبود زنان در سن ازدواج منجر به افزایش تقاضا برای زنان دزدیده شده به ویژه در مناطق روستایی شده است. به نظر آژانس بین‌المللی سازمان ملل در قاچاق انسان ساکنین روستایی در مناطق پرت و دورافتاده که اطلاعات حقوقی و توانایی حمایت از خود را ندارند در برابر این خطر بسیار آسیب‌پذیرترند (<http://humantrafficking.org/countries/china>)

چین نیز مانند ژاپن طی گزارش وزارت خارجه امریکا مربوط به قاچاق انسان در سال ۲۰۰۷ در ردیف کشورهای قرار گرفت که تلاش کافی برای مبارزه با این پدیده و حمایت از قربانیان آن انجام نمی‌دهد. چین در این لیست قرار گرفت چون «از سال ۲۰۰۵ تلاشی برای مبارزه با قاچاق انسان انجام نداد. گزارش‌ها حاکی از آن است که

مقامات محلی در قاچاق شریک جرم بودند از جمله رهبرای روستاها که تلاش کردند جلوی پلیس را در نجات قربانیان بگیرند. چین یک قانون جامع که تمام اشکال قاچاق انسان را در بر بگیرد اتخاذ نکرده، هر چند دارای قوانین متعددی است که می تواند برای محاکمه قاچاقچیان استفاده شود. قانون جزا، خودفروشی اجباری، دزدیدن انسان و استثمار دختران زیر ۱۴ سال را با مجازات‌های از حبس ابد تا مرگ، جرم شناخته است. ماده ۲۴۴ قانون جزای جمهوری خلق چین کار اجباری را با مجازات ۳ سال حبس یا جریمه نقدی ممنوع کرده، اما به طور خاص بهره برداری جنسی توأم با اجبار یا شیدادی و یا تمام اشکال قاچاق از جمله اسارت ناشی از بدهی را ممنوع نکرده است (<http://humantrafficking.org/countries/china>).

آمار و ارقام موارد قاچاق انسان در چین تکان دهنده است. چنانکه «۸۰ درصد افرادی که در چین قاچاق می‌شوند زنان و دختران هستند و سالانه ۳۰۰۰ گزارش فروش زنان و کودکان به پلیس داده می‌شود» (<http://humantrafficking.org/updates/228>).

بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ پلیس بیش از ۲۸۰ هزار پرونده قاچاق را گشود. دولت چین بیش از ۲۵ هزار قاچاقچی مظنون را دستگیر کرد. بیش از ۳۵ هزار قربانی را نجات داد. در طول سال ۲۰۰۶ پلیس چین ۳/۳۷۱ پرونده قاچاق انسان را مورد رسیدگی قرار داد و مقامات ایالتی ۳۷۱ قربانی و ۴۱۵ قاچاقچی را دستگیر کردند.

سازمان بین‌المللی کار در همکاری با فدراسیون تمام زنان چین، ۱۳۷ پناهگاه در آن هویی (Anhui) و هنان (Henan) تشکیل داد. (<http://humantrafficking.org/updates/228>) همچنین فدراسیون زنان چین، مشاوره‌هایی (برای قربانیان) در زمینه‌های حقوق قانونی و مراقبتهای پزشکی و روانشناسی انجام داد.

در برخی از ایالات منتخب، برنامه‌های افزایش آگاهی راجع به قاچاق انسان اجرا شده و مقامات ایالت یونان (Yunnan) یک سمینار رسانه‌ای برای افزایش آگاهی از استراتژی‌های ضدقاچاق، حمایت از قربانیان و مصوبات مربوطه برگزار کرد. مقامات سی چوان (Sichuan) هم برنامه‌هایی را برای افزایش آگاهی در میان بازارهای وسیع کار از طریق اطلاعات مندرج در پوسترها، آگاهی‌های خدمات عمومی و در تلویزیون در بازارها اجرا کردند. (<http://humantrafficking.org/countries.china>).

با این حال، دولت چین هنوز باید اقدامات بیشتری را جهت ممنوعیت تمام اشکال قاچاق انسان از طریق وضع قوانین جدید و تغییر قوانین سابق و همچنین وضع مجازات‌های مناسب و مشخص و دقیق به عمل آورد تا بتواند وظایف ملی و بین‌المللی خود را در این زمینه انجام دهد.

استرالیا

استرالیا یک کشور مقصد برای قربانیان است که از شرق و جنوب شرق آسیا، اروپای شرقی، به ویژه چین، کره و تایلند قاچاق می‌شوند. گزارش‌های زیادی از مهاجرین به ویژه هند، چین و کنگره جنوبی رسیده که این مهاجرین در ابتدا به شکل داوطلبانه برای کار به استرالیا مهاجرت می‌کنند ولی بعد در شرایط استثمارگرانه قرار می‌گیرند. سازمان غیر دولتی (Project respect) دلایل قاچاق انسان در استرالیا را این‌گونه برشمرد: ۱. کمبود زنانی که در استرالیا حاضر به خودفروشی باشند ۲. تقاضای مشتریان برای زنانی که مطیع باشند ۳. تقاضای مشتریان برای زنانی که بتوانند نسبت به آنها با خشونت رفتار کنند و ۴. عقاید نژادی که طبق آن زنان آسیایی ویژگی‌های خاصی دارند به عنوان مثال آنها مطیع‌ترند و سطح بالاتری از خشونت را می‌پذیرند. (<http://humantrafficking.org/countries/Australia>)

البته دولت استرالیا قوانینی را برای جلوگیری و مجازات قاچاق انسان وضع کرده و طبق گزارش سال ۲۰۰۷ وزارت خارجه امریکا مربوط به قاچاق انسان، این کشور همکاری‌های لازم را برای مقابله با این پدیده انجام داده است «طبق بخش‌های ۲۷۰ و ۲۷۱ حقوق جزای استرالیا قاچاق انسان جرم شناخته شده، مجازات سوءاستفاده جنسی اجباری تا ۱۵ سال حبس دارد، مجازات برای بردگی تا ۲۵ سال حبس و مجازات برای استخدام دروغین تا ۷ سال حبس می‌باشد (<http://humantrafficking.org/Countries/Australia>).

علاوه بر اینها دولت استرالیا تلاش‌هایی را هم برای بهبود وضعیت قربانیان قاچاق انسان انجام داده و کمک‌ها و خدماتی به آنها ارائه داده است. به عنوان مثال دولت استرالیا تلاش می‌ند برای زنان قربانی بهره‌کشی جنسی غرامت پردازد و برنامه‌ای تهیه دیده که هر سال به ۳۰ زن ۳۵۰/۰۰۰ دلار استرالیا کمک کند این امر می‌تواند به این زنان کمک کند تا به مشاوره برای مهاجرت قانونی به استرالیا و شرایط آن دسترسی داشته باشند.

(<http://humantrafficking.org/updates/477>)

به‌علاوه، دولت کمک‌هایی را برای قربانیان، خانواده‌هایشان و شاهدین در محاکم قضایی ارائه می‌کند. دولت دو برنامه بازگشت به میهن و استقرار مجدد را فراهم کرده، یک برنامه برای تمام زنان و کودکان قربانی قاچاق و برنامه دوم فقط برای قربانیان تایلندی است. آن دسته از قربانیان قاچاق که با مقامات دولتی برای شناسایی و محاکمه قاچاقچیان‌شان همکاری کنند، اجازه برخورداری از ویزای موقت و برخی خدمات اجتماعی را خواهند داشت. آن دسته از افرادی که ویزای موقت را به مدت ۲ سال داشته باشند می‌توانند تقاضای ویزای دائم را بدهند.

(<http://humantrafficking.org/countries/Australia>)

البته در کنار تمام این خدمات، از نظر برخی سازمان‌های غیردولتی مثل سازمان ضد بردگی در استرالیا، این کشور هنوز باید اقدامات بیشتری را برای مبارزه با قاچاق انسان انجام دهد.

چنانکه سازمان غیر دولتی برنامه ضد بردگی (the Anti-Slavery Project) معتقد است «۱- دولت استرالیا باید رژیم صدور ویزای فعلی را تغییر دهد تا تمام قربانیان قاچاق انسان و بردگی را حمایت کند، اتخاذ یک رژیم صدور ویزا که به روی قربانیان قاچاق متمرکز باشد، از قاچاق و بردگی مجدد قربانیان، بدون در نظر گرفتن همکاری آنها با مقامات جلوگیری می‌کند و ۲- منابع کافی و اجرای یک برنامه حمایت از قربانیان که به شکل مؤثری با نیازهای بازماندگان قاچاق از طریق تهیه و اجرای خدمات مناسب منطبق باشد. زیرا برنامه ارائه خدمات فعلی، تنها سطح معینی از خدمات را به قربانیان قاچاق که در روند اجرای قانون شرکت می‌کنند ارائه می‌کند» (<http://humantrafficking.org/countries/Australia>)

ایالات متحده آمریکا

ایالات متحده آمریکا در اصل یک کشور مقصد و انتقالی برای قاچاق انسان است. برآورد می‌شود که ۱۴۵۰۰ تا ۱۷۵۰۰ نفر، عمدتاً زنان و کودکان، سالانه به ایالات متحده قاچاق می‌شوند. دولت ایالات متحده خود را متعهد به مبارزه با قاچاق انسان در داخل و خارج می‌داند. سند ۲۰۰۰ حمایت از قربانیان قاچاق (the trafficking victims protection Act of 2000)، مجازات‌های جنایی از پیش موجود را افزایش می‌دهد، حمایت‌های جدید از قربانیان قاچاق به عمل می‌آورد و خدمات و منافع خاص را برای قربانیان اشکال حاد قاچاق ارائه می‌دهد. این سند همچنین نیروی موظف بین سازمان فدرال در سطح کابینه ایجاد نموده و یک برنامه فدرال را برای ارائه خدمات به قربانیان قاچاق برقرار می‌سازد. دولت ایالات متحده ضرورت حفظ و تقویت بیشتر تلاش‌ها به منظور نیل به اهداف و مقاصد این سند را تصدیق می‌کند.

وزارت خارجه ایالات متحده، زمانی که موضوع قاچاق انسان تحت پوشش گزارش‌های سالانه کشوری وزارت خارجه درباره عملکردهای مربوط به حقوق بشر قرار گرفت، در سال ۱۹۹۴ شروع به نظارت و بازرسی بر قاچاق انسان کرد. این پوشش در اصل روی قاچاق زنان و دختران برای مقاصد جنسی متمرکز شد. پوشش این گزارش طی سال‌ها وسعت یافته و سفارتخانه‌های ایالات متحده در سطح جهان اکنون به طور منظم در موارد مربوط به قاچاق مردان، زنان و کودکان در تمام اشکال کار اجباری، از جمله کار کشاورزی، ساختمان‌سازی و خدمتکاری و مغازه یا کارخانه‌ها با شرایط سخت و غیربهداشتی و نیز قاچاق برای بهره‌کشی جنسی تجاری نظارت و بازرسی نموده و گزارش تهیه می‌کند.

از نظر بین‌المللی، ایالات متحده برنامه‌های توسعه‌ای و ضد قاچاق بسیار را برای کمک به کشورها در مبارزه با این پدیده رو به رشد، آغاز کرده است. اداره بازرسی و نظارت و مبارزه با

قاچاق، تحت حکم TVPA در سال ۲۰۰۰، در وزارت خارجه ایجاد گردید. (اداره G/TIP). اداره G/TIP میلیون‌ها دلار کمک به سازمان‌ها در سرتاسر جهان جهت اجرای برنامه‌هایی به منظور مبارزه با قاچاق ارائه و فراهم نموده است. این برنامه‌ها شامل نشر اطلاعات پیرامون خطرات قاچاق، تقویت ظرفیت سازمان‌های غیرحکومتی در حمایت از آن گروه‌ها در برابر سوء استفاده و خشونت، و برنامه‌های فرصت اقتصادی و توسعه برای کسانی که بیش از همه در معرض خطر قاچاق هستند، را شامل می‌شوند. ایالات متحده به کشورها در اجرا و اعمال قوانین و مقررات ضد قاچاق کمک کرده، مقامات اجرا و اعمال قانون، تعقیب‌کنندگان، افسران قضائی و محافظین مرزها در جهت بازجویی، تحقیق، و تعقیب و کشف شناسایی قاچاقچیان، و حمایت از قربانیان، تربیت کرده و تجهیزات اولیه برای واحدهای جدید پلیس ضد قاچاق فراهم کرده است. به طور کلی، دولت ایالات متحده متعهد است به تعقیب و مجازات قاچاقچیان و کمک به اشخاصی که به عنوان قربانیان قاچاق شناسایی شده‌اند. در نوامبر ۲۰۰۳ کنگره آمریکا «سند ۲۰۰۰ حمایت از قربانیان قاچاق» (the trafficking victims protection Act of 2000) را دوباره به جریان انداخت و عملی کرد.

سند ۲۰۰۳ اعمال مجدد حمایت از قربانیان قاچاق منابع و ابتکاراتی برای کمک به ۱۸/۰۰۰ تا ۲۰/۰۰۰ قربانی قاچاق انسان که به داخل ایالات متحده هر ساله قاچاق می‌شوند، فراهم و ارائه می‌نماید. سند ۲۰۰۵ اعمال مجدد حمایت از قربانیان قاچاق در ژانویه ۲۰۰۶ به صورت قانون امضاء و تأیید شد. (<http://www.humantrafficking.org/countries/Ammerica>)

اسناد و اقدامات بین‌المللی

با توجه به مطالب و آمارهای پیشین از کشورهای مختلف، که البته به شکل مختصر مطرح شد، می‌بینیم کمتر کشوری در جهان یافت می‌شود که با این معضل دست به گریبان نباشد. همین موضوع باعث شد کشورها در راه مبارزه با این پدیده، همکاری‌هایی را در سطح بین‌المللی آغاز کنند و اسنادی را برای مبارزه با قاچاق انسان تهیه کنند که مطمئناً توجه به این اسناد خالی از فایده نخواهد بود.

مقاله‌نامه ۱۸ مه ۱۹۰۴ نخستین سند حقوق بشری است که هدف اصلی آن متعهد ساختن دولت‌های متعهد جهت اتخاذ تدابیری برای جلوگیری از انتقال زنان و دختران به خارج برای روسپیگری بود و طی آن سعی شد جهت حمایت از قربانیان قاچاق، با کسب اطلاعات قانونی از آنها برای مقامات کشور مبدأ، زمینه بازگشت داوطلبانه آنان به کشورشان را فراهم نمایند. در این سند، دول طرف مقاله‌نامه متعهد می‌شوند که «اقدامات لازم را برای مواظبت از اشخاصی که زنان و دختران را برای فسق به خارج می‌برند، بالاخص در راه آهن و بندرهایی

مسافرت و در طول مسافرت به عمل می آورند. برای این مقصود تعلیم مشابه ماموران و یا دیگر اشخاص صلاحیت دار داده می شود که در حدود قانون کلیه اطلاعاتی را که موجب کشف خرید و فروش جنایتکارانه می باشد، تحصیل نمایند. ورود اشخاصی که مسلماً مرتکب شناخته می شوند و هم دستانشان و زنان و دخترانی که مورد این قبیل خرید و فروش واقع شده اند عندالزوم خواه به مقامات محلی و خواه به مقامات سیاسی و کنسولی مربوطه و خواه به مقامات صالحه دیگر اطلاع داده خواهد شد» (ماده ۲ مقاله نامه بین المللی امضا شده در پاریس مورخ ۱۸ مه ۱۹۰۴ نقل شده از محملی علی هدایتی، مجموعه قراردادهای بین المللی چند جانبه ایران، تهران، نشر تابان، ۱۳۴۵، ص ۲۴) مسأله کنترل آژانس های مسافرتی و بنگاه های کاریابی که برای زنان و دختران در خارج کار پیدا می کنند هم در این سند مطرح شده بود، که این امر با توجه به اینکه هنوز هم بیشتر عاملان قاچاق زنان را همین بنگاه ها و آژانس ها تشکیل می دهند، حائز اهمیت است. با این حال، این سند از اعلام خرید و فروش زنان و دختران به عنوان یک جرم بین المللی و قابل مجازات خودداری می کند و استرداد مجرمان میان دول طرف مقاله نامه هم مطرح نشد. اما در قرارداد بین المللی مصوب ۴ مه ۱۹۱۰ این نقص برطرف شد و لزوم مجازات قاچاقچیان زنان مطرح گردید و بهره کشی جنسی از طریق فریب، زور، تهدید، عملی غیرانسانی و جنایی شناخته شد (اشتری، ۱۳۸۵، صص ۳-۷۰).

قرارداد بین المللی الغاء خرید و فروش زنان و کودکان که در ۳۰ سپتامبر ۱۹۲۱ امضاء و تصویب شد حاصل تلاش دولتها بعد از تشکیل جامعه ملل بود (انصاری، پایان نامه قاچاق زنان و کودکان با توجه به اسناد بین المللی، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد، زمستان ۸۴، ص ۵۷) این سند نقص سند ۱۹۰۴ و ۱۹۱۰ را که صرفاً لغو خرید و فروش سفیدپوستان را در نظر داشتند رفع کرد. بعد دوازده سال بعد سندی جدید در ۱۱ اکتبر ۱۹۳۳ با عنوان «قرارداد بین المللی راجع به جلوگیری از معامله نسوان کبیره» امضاء شد که حاکی از آن بود که قاچاق زنان ابعاد جهانی یافته بود، ضمن اینکه همچنان بر کمک حقوق داخلی توجه شده بود و ماهیت چندان الزام آوری تحت نظارت یک نهاد یا کارگزار بین المللی برای آن وجود نداشت (اشتری، ۸۶-۸۲). پس از جنگ جهانی دوم، این اندیشه غالب شد که قوادی در سطح بین المللی جرم مهمی است، حال آنکه روسپی یعنی بزه دیده خرید و فروش که نه تنها باید از هرگونه مجازات کیفری بلکه باید از هر نوع مقررات و ثبت اداری نیز معاف باشد این فکر الهام بخش عهدنامه ۲ دسامبر ۱۹۴۹ در مورد مجازات خرید و فروش انسان و بهره برداری از فحشاء دیگری است» (بوسار آندره، بزهرکاری بین المللی، ترجمه نگار رخشانی، تهران کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۵، ص ۱۷) اما این کنوانسیون مشکلات و نقاط ضعفی داشته، از جمله آنکه عدم تعریف روسپیگری و قاچاق انسان و واگذاری مجازات مجرمان به

حقوق داخلی کشورها زمینه بروز اختلاف میان کشورها در تعریف و تفسیر قاچاق انسان ایجاد کرد.

از طرف دیگر تاکید این کنوانسیون (کنوانسیون ۱۹۴۹) بر خرید و فروش اشخاص به قصد بهره کشی جنسی است و بنابراین قاچاق اشخاص به انگیزه کار اجباری و برداشتن اندام های انسانی را شامل نمی شود (انصاری، پایان نامه قاچاق زنان و کودکان با توجه به اسناد بین المللی، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد، زمستان ۸۴، ص ۶۸) مجموعه این عوامل باعث ناکارآمدی این اسناد بین المللی شد.

البته سازمان ملل از همان ابتدای تأسیس توجهی ویژه به حقوق بشر (با تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۹۴۸)، حقوق زنان و کودکان و تلاش جهت رفع تبعیض و خشونت علیه زنان داشته است. از جمله در اعلامیه و کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹ و ۱۹۵۹) جهت حمایت از کودکان در برابر تمام اشکال سوء استفاده و استثمار جنسی، از دولت ها خواسته شده که تهدیدات لازم را علیه فحشاء پورنوگرافی و سوءاستفاده جنسی ممانعت از خرید و فروش، ربودن و قاچاق کودکان اتخاذ کنند (مصفا، ۱۳۸۳، صص ۱۱-۱۲).

در اعلامیه دیگری (۱۹۸۶) در حمایت از کودکان و رفاه آنان، مسأله تعیین محل نگهداری و فرزندخواندگی ملی و بین المللی مورد توجه قرار گرفت و نیز مقررات مورد نظر سازمان ملل در حمایت از نوجوانان (مقررات پکن، ۱۹۸۵) و آزادی آنان (۱۹۹۰) و رهنمودهایی برای پیشگیری از جرائم نوجوانان (۱۹۹۰) تصویب شدند. در سال ۲۰۰۰ نیز پروتکلی در جهت لزوم انجام اقدامات مؤثر بین المللی برای پیشگیری از فروش، فحشا و پورنوگرافی کودکان تصویب شد (اشتری، ۱۳۸۳، صص ۲۲-۱۷).

از دیگر اقداماتی که سازمان ملل جهت حمایت از حقوق بشر، به ویژه حقوق زنان و برابری حقوق زن و مرد انجام داد، تهیه کنوانسیون منع همه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW) می باشد.

منشور جهانی حقوق بشر با قراردادهای مربوط به حقوق بشر ترکیب شده که به این ترتیب، مجموعه ای گسترده از حقوق را که همه اشخاص از جمله زنان شایسته آن هستند، به وجود می آورد، اما واقعیت انسانی زنان به قدر کافی تحقق نیافته تا برخورداری آنان از حقوقی که مورد موافقت بین المللی است را تضمین کند. کمیسیون مقام زن از زمان تأسیس (۱۹۴۶) در پی تعیین تضمین های عدم تبعیض در این اسناد از منظر جنسیت بود. اختیار این کمیسیون شامل تهیه توصیه های مرتبط به مسائل ضروری نیازمند توجه فوری در زمینه حقوق زنان با هدف اجرای این اصل که مردان و زنان باید حقوق برابر داشته باشند و ایجاد طرح هایی برای عملی کردن این توصیه ها، می باشد. کمیسیون بین سال های ۱۹۴۹ و ۱۹۵۹ کنوانسیون حقوق سیاسی زنان را فراهم کرد. همچنین است کنوانسیون های تابعیت زنی که ازدواج کرده (مصوب

مجمع عمومی در ۲۹ ژانویه ۱۹۵۷) رضایت در ازدواج، حداقل سن ازدواج و ثبت ازدواج (مصوب ۷ نوامبر ۱۹۶۲) در مورد رضایت در ازدواج، حداقل سن برای ازدواج و ثبت آن (اول نوامبر ۱۹۶۵) ... با وجود این روش ارائه شده ناقص بود و در پرداختن جامع به مسأله تبعیض علیه زنان شکست خورده بودند.

کمیسیون مقام زن در ۱۹۶۷ اعلامیه رفع تبعیض علیه زنان را به تصویب مجمع عمومی رساند. اما این اعلامیه در حد یک بیانیه با محتوای اخلاقی و سیاسی بدون ضمانت اجرا باقی ماند. در سال ۱۹۷۲، کمیسیون مقام زن امکان تهیه یک کنوانسیون الزام‌آور را که بتواند به شرایط اعلامیه قدرت قانونی بخشد، مورد توجه قرار داد و از دبیر کل سازمان ملل خواست از کشورهای عضو سازمان بخواهد نظر خود را در این زمینه بیان کنند. در سال ۱۹۷۴ کمیسیون در بیست و پنجمین نشست خود تصمیم گرفت سندی واحد و الزام‌آور را در حذف تبعیض علیه زنان تهیه کند. به این ترتیب، کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان در سال ۱۹۷۹ توسط مجمع عمومی با ۱۳۰ رأی موافق، بدون مخالف و ۱۰ رأی ممتنع تصویب و در سوم سپتامبر ۱۹۸۱ اجرایی شد. (<http://www.un.org/womenwatch/daw/cedaw/history.htm>) این کنوانسیون تبعیض علیه زنان را به مثابه «هر گونه تمایز، محروم سازی یا محدودیت به عمل آمده بر مبنای جنسیت که تأثیر یا قصد آسیب رساننده یا ختشی سازنده شناسایی زنان، بهره‌مندی یا فعالیت زنان، صرف نظر از منزلت مادی آنان، بر مبنای برابری مردان و زنان، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در حوزه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و غیره را دارد»، تعریف می‌کند. دولت‌ها با پذیرش این کنوانسیون خود را متعهد به تقبل یک سری اقدامات برای پایان دادن به تبعیض علیه زنان در همه اشکال می‌سازند که شامل موارد زیر است:

* اعمال اصل برابری مردان و زنان در نظام حقوقی شان، لغو همه قوانین تبعیض آمیز و اتحاد قوانین منع‌کننده تبعیض علیه زنان؛

* استقرار محکمه‌ها و سایر نهادهای عمومی برای تضمین حمایت مؤثر از زنان؛ و

* تضمین منع همه اعمال مربوط به تبعیض علیه زنان توسط اشخاص و بنگاه‌های

اقتصادی.

همچنین دولت‌ها می‌پذیرند اقداماتی مناسب علیه همه اشکال قاچاق زنان انجام دهند.

(<http://www.un.org/womenwatch/daw/cedaw/history.htm>)

در سی و هفتمین اجلاس کمیسیون مقام زن پیش‌نویس «اعلامیه رفع خشونت علیه زنان (۱۹۹۲) مورد تصویب قرار گرفت که سرانجام مجمع عمومی سازمان ملل هم طی قطعنامه ۴۸/۱۰۴ در ۲۰ سپتامبر ۱۹۹۳ آن را تصویب کرد. این اولین سند بین‌المللی است که به طور واضح به تعریف خشونت علیه زنان به شرح زیر پرداخت:

«برای مقاصد این اعلامیه عبارت "خشونت علیه زنان" یعنی هر اقدام خشن متکی بر جنسیت است که منجر به آسیب یا رنج جسمی، جنسی یا روانی نسبت به زنان، از جمله تهدید به انجام چنین اعمالی، محرومیت اجباری یا خودسرانه از آزادی چه در زندگی عمومی یا خصوصی شود یا احتمال دارد منجر شود» (<http://www.unic-ir.org/hr/hr35.pdf>).

ماده دوم این اعلامیه اشکال مختلف خشونت را در سه بند نام برده ولی آن را محدود به موارد نام برده نکرده که از جمله آن می توان به خشونت جسمی، جنسی، روانی در خانواده و سوءاستفاده جنسی از کودکان مونث، ازدواج اجباری، ارعاب جنسی در محل کار یا خشونت جسمی، جنسی و روانی توسط دولت و قاچاق زنان و فحشای اجباری اشاره کرد. ماده سوم این اعلامیه به حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی زنان مثل حق زیستن، برابری، امنیت، حمایت قانون، شرایط عادلانه کار، بهداشت و... اشاره می دارد.

«در سال ۱۹۹۸ به پیشنهاد کمیسیون مقام زن یک پروتکل را به پیوست کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان ضمیمه کردند که در ۶ اکتبر ۱۹۹۹ برای رفع ابهامات کنوانسیون مذکور توسط مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شد...» (انصاری، پایان نامه کارشناسی ارشد، ص ۷۶)

کنفرانس های متعددی در رابطه با این موضوع برگزار شده، از جمله می توان به کنفرانس نایروبی و پکن و کنفرانس اروپایی و بیانیه بروکسل و کنفرانس بین المللی کامبوج اشاره کرد. در کنفرانس نایروبی به مسائلی مثل «زنان مورد سوءاستفاده، زنان قربانی قاچاق، روسپی گری غیرارادی و زنان در بازداشت و تابع حقوق کیفری» اشاره شد (اشتری، ۱۳۸۵، صص ۳۸-۱۳۵).

چهارمین کنفرانس جهانی زن با بیش از ۶۰ هزار شرکت کننده در پکن بر پا شد. نتیجه این کنفرانس «تدوین یک کار پایه عملی بود که هنوز یکی از مهمترین اسناد بین المللی در مورد توانمندسازی زنان می باشد کارپایه عملی پکن کشورها را بر انجام اقداماتی در حوزه هایی بقایای مانند بهداشت، آموزش، تصمیم گیری و اصلاح قانون با هدف نهایی رفع همه اشکال تبعیض از زنان در زندگی عمومی و خصوصی متعهد می کند کار پایه عملی پکن دوازده حوزه نگران عمده را مشخص می کند: زنان و فقر، آموزش و پرورش زنان، زنان و بهداشت، خشونت با زنان، زنان و مناقشات مسلحانه، زنان و اقتصاد، زنان در قدرت و تصمیم گیری، سازوکارهای نهادی برای پیشرفت زنان، حقوق بشر زنان، زنان و رسانه ها، زنان و محیط زیست و دختر بچه ها، این کار پایه در سال ۱۹۹۵ به امضاء همه کشورهای شرکت کننده رسید.» (<http://www.zanan.co.ir/social/00423.html>)

یکی از اهداف کنفرانس پکن امحای خرید و فروش زنان و کمک به قربانیان این نوع خشونت بود. لذا دولت ها متعهد شدند اقداماتی را برای مبارزه با خرید و فروش زنان و

استثمار جنسی از آنان انجام دهند که می‌توان این اقدامات را به اختصار چنین برشمرد: «...تصویب و اعمال کنوانسیون‌های بین‌المللی راجع به خرید و فروش اشخاص و بردگی؛ اتخاذ اقدامات مقتضی در راستای مقابله با عوامل ریشه‌ای از جمله عوامل برونی که خرید و فروش زنان و دختران به قصد روسپی‌گری ... و ازدواج‌های تحمیلی و کار تحمیلی را ترغیب می‌کند. در راستای امحای خرید و فروش زنان از طریق تقویت قوانین موجود... و مجازات مرتکبین این جرائم از طریق اقداماتی اعم از جزایی و مدنی؛ ارتقاء همکاری و اقدام هماهنگ مقامات و نهادهای ذی ربط مجری قانون به منظر تلاشی شبکه‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی خرید و فروش زنان؛ تخصیص منابع برای تأمین برنامه‌هایی که هدف از آن بهبود قربانیان... و بازگشت آنان به جامعه باشد. من جمله برنامه‌های کارآموزی، مساعدت حقوقی، مراقبت پزشکی...؛ تمهید برنامه‌های آموزشی و پرورشی که هدف آن جلوگیری از توریسم جنسی و خرید و فروش زنان است...» (اشتری، ۱۳۸۵، ص ۱۴۲-۱۴۱).

۵ سال بعد از این کنفرانس اجلاس ویژه بیست و سوم مجمع عمومی با عنوان «زنان ۲۰۰۰: برابری جنسیتی، توسعه و صلح برای قرن بیست و یکم» که به نام پکن + ۵ نیز معروف است تشکیل شد که در آن کشورها وعده دادند ابتکارهای اضافی مانند تقویت قوانین علیه تمام شکل‌های خشونت خانوادگی و محلی و تصویب قوانین برای حذف شیوه‌های زیانبار مانند ازدواج‌های زودرس و اجباری و آسیب رساندن به اندام‌های باروری زنان انجام دهند. (<http://www.unic.ir.org/publication/farsi/list-of-pubfarsi.htm>) با وجود تمام اسناد و اعلامیه‌های بین‌المللی و تلاش‌های سازمان، همچنان مسأله قاچاق انسان رو به افزایش بود. به همین دلیل مجمع عمومی سازمان ملل تصمیم گرفت سند جدیدی را برای مقابله با قاچاق انسان، به ویژه زنان و کودکان تهیه کند. در هفتمین اجلاس پیشگیری از جرایم و عدالت کیفری در سال ۱۹۹۸ آرژانتین پیشنهاد کردند کنوانسیون جدید علیه قاچاق کودکان طرح گردد. اجتماع بین‌المللی تصمیم گرفت این واژه را گسترش بخشد و قاچاق همه اشخاص را در آن بگنجانند و در عین حال افزایش آسیب‌پذیری زنان و کودکان و نیاز ویژه آنان را برای حمایت مورد توجه قرار دهد (اشتری، ۱۳۸۵، ص ۱۵۰).

در میان اسناد بین‌المللی که در این زمینه وجود دارد، پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات اشخاص به ویژه زنان و کودکان از هم کاملتر است «این پروتکل زمینه کنوانسیون پالمو در ارتباط با جنایات سازمان یافته فراملی مصوب دسامبر ۲۰۰۰ در پالمو ایتالیاست.» (مرتضی صالحی، پایان نامه قاچاق انسان، دانشگاه آزاد، دانشکده حقوق پاییز ۸۵، ص ۴۴)

«این پروتکل دارای یک مقدمه و ۲۰ ماده است» (سنا انصاری، پایان‌نامه قاچاق زنان و کودکان دانشکده حقوق دانشگاه آزاد، ص ۸۰) «۱۱۷ کشور و ۸۰ گروه این پروتکل را امضاء کردند و از دسامبر ۲۰۰۳ به اجرا درآمد» (همان، ص ۸۹)

به این ترتیب، این نخستین پروتکلی بود که هدف آن مبارزه با قاچاق انسان، چه زن و چه مرد بود. «این پروتکل از چهار بخش جداگانه تشکیل شده که هر یک عنوان خاص خود را دارد. بخش اول مفاد عمومی بخش دوم حفاظت از قربانیان قاچاق اشخاص، بخش سوم پیشگیری، همکاری و دیگر تدابیر و بخش چهارم مفاد پایانی می‌باشد» (اشتری، ۱۳۸۵، ص ۱۵۵).

این پروتکل دارای نکات مثبت و منفی است. نکته مثبت آن است که این پروتکل برخلاف پروتکل‌های قبلی که فقط به بهره‌کشی جنسی و روسپیگری می‌پردازند هر نوع قاچاق انسان با هر هدفی را در بر می‌گیرد این موضوع در ماده ۳ پروتکل که به تعریف قاچاق انسان می‌پردازد ذکر شده است و ازگان کلیدی که در این ماده به کار رفته‌اند عبارتند از «انتقال movement» پناه دادن یا دریافت اشخاص به وسیله تهدیدی یا به‌کارگیری، زور آدم‌ربایی (harbouring) تقلب (fraud) فریب (deception) سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت حساس و آسیب‌پذیری (coercion vulnerability) یا دریافت پرداخت‌ها و منافع جهت کسب رضایت فردی که بر دیگری کنترل دارد برای بهره‌کشی جنسی یا غیرجنسی (بردگی، کار اجباری، بیگاری، برداشتن اندام‌ها)». (legislative guid for implementation of the united nations convention against transnational organized crime and the protocol there to , united nations, new york, ISBN92-1-13372 83, 2004, p. 268)

اما نقاط ضعف آن است که اولاً این سند شامل قاچاق انسان به صورت فرامرزی و فراملی می‌شود و قاچاق درون مرزی را در بر نمی‌گیرد این نکته در ماده ۴ پروتکل به صراحت آمده از طرف دیگر گرچه این پروتکل در ماده ۵ خود از دول عضو خواسته رفتارهای مذکور در این پروتکل را جرم تلقی کنند ولی تعیین میزان جرم را به عهده دولت‌ها گذاشته است، حال آنکه بهتر بود پروتکل اشاره‌ای به حداقل مجازات این جرم می‌کرد ولی پروتکل در این مورد سکوت کرده است

نکته مسأله ساز دیگر این است که این پروتکل تنها آن جرایم قاچاق زنان را شامل می‌شود که توسط یک گروه جنایتکار سازمان یافته صورت گرفته باشد. طبق ماده ۲ کنوانسیون علیه جرایم سازمان یافته فراملی، گروه جنایتکار سازمان یافته، گروهی ساختارمند است که از ۳ نفر یا بیشتر تشکیل می‌شود و جهت کسب مزایای مادی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به جنایت دست بزنند» (اشتری، ۱۳۸۵، ص ۱۶۶).

بنابراین، مشاهده می‌شود که این پروتکل دامنه عمل خود را محدود کرده است. علاوه بر این «اگر قاچاق زنان توسط دو قاچاقچی و بدون حضور یک گروه سازمان یافته انجام شود، مضمون اسناد قبلی است نه پروتکل فعلی و اگر کشوری فقط به پروتکل فعلی متعهد باشد نه اسناد قبلی، وظیفه‌ای برای سرکوب و مجازات قاچاقچیان نخواهد داشت. از طرفی جرم قاچاق انسان براساس حقوق بین‌الملل عرفی قابل مجازات نیست و تنها دول متعهد به این اسناد بدان

ملزمنند (اشتری، ۱۳۸۵، ص ۱۶۷). بنابراین لازم است کشورها و سازمان‌های بین‌المللی بدین سمت جهت‌گیری کنند که قواعد مربوط به قاچاق انسان تبدیل به یک اصل حقوقی عرفی شود و از موقعیت قواعد آمره برخوردار گردد تا اجرای آن برای تمام کشورها (چه آنها که عضو اسناد بین‌المللی بازدارنده قاچاق انسان هستند و چه آنها که عضو این اسناد نیستند) الزام‌آور شده و نقض آن به هیچ روی ممکن نباشد. اما اجرای این امر، همانطور که ذکر شد تنها با همکاری تمام کشورها امکان‌پذیر است.

کنفرانس اروپایی بروکسل: یکی از مهم‌ترین کنفرانس‌های برگزار شده در زمینه پیشگیری و مبارزه با قاچاق انسان کنفرانس اروپایی پیشگیری و مبارزه با قاچاق انسان، به عنوان چالش جهانی قرن ۲۱ از ۱۸ تا ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۲ با حضور سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی کشورهای اروپایی و امریکایی (کانادا و ایالات متحده) و... برگزار شد. نتیجه این کنفرانس تدوین بیانیه بروکسل بود و هدف آن حمایت مالی از برنامه‌های مبارزه و پیشگیری از قاچاق انسان و استثمار جنسی کودکان بود. (file://A:/Europa-justic and home affairs - News, september2002)

کنفرانس کامبوج: این کنفرانس در سال ۲۰۰۴ با حضور سفراء مددکاران اجتماعی، تشکل‌های غیردولتی و نیروهای امنیتی در کامبوج برگزار شد و به بررسی ابعاد قاچاق انسان پرداخت. (روزنامه شرق، شماره ۳۴۴، پنجشنبه، ۲۸ آبان ۱۳۸۳)

نتیجه

همان‌طور که در متن مقاله اشاره شد، قاچاق انسان پدیده‌ای با قدمت تاریخی است که البته در دوران معاصر به حد اعلای خود رسیده و با وجود تلاش‌های جهانی هنوز راه طولانی تا ریشه کن کردن آن وجود دارد. «یک جامعه شناس ایتالیایی (Pino Archilli) اظهار داشته که ارزیابی‌های مستند نشان می‌دهد که بیش از ۲۰۰ میلیون نفر به نحوی در سلطه یا اختیار قاچاقچیان انسانند. وی ابراز می‌داد ۴ قرن برده داری نمجر به بردگی ۱۱/۵ میلیون نفر آفریقایی شد ولی در دهه گذشته بیش از ۳۰ میلیون زن و کودک از آسیای جنوب شرقی برای مقاصد جنسی و کار سخت قاچاق شدند» (صادق سلیمی، صص ۸۷-۸۸). متأسفانه در این زمینه، به ویژه زنان و دختران (البته در کنار آن کودکان) با آسیب‌پذیری بیشتری مواجهند و نیازمند کمک و حمایت بیشتر هستند. این امر خود به هماهنگی بیشتر کشورها و همکاری روزافزون آنها با نهادهای بین‌المللی و تصویب و رعایت کامل اسناد بین‌المللی مربوط نیاز دارد. گرچه عوامل گوناگون مثل، فقر، بیکاری، عقب ماندگی اقتصادی و اجتماعی، خشونت‌های خانوادگی، افزایش جمعیت، منازعات مسلحانه و... همه از عوامل بروز و تشدید کننده این پدیده هستند،

ولی به نظر می‌رسد مشکل اصلی در کُندی روند حاصل این معضل، عدم همکاری دولت‌ها و نادیده گرفتن این بلای خاموش از جانب آنهاست. اکنون زمان آن فرا رسیده که کشورهای مبدأ، مقصد و کشورهای ترازیت (محل عبور) برای حداقل کنترل این پدیده همت گمارند. این کشورها می‌توانند با تصویب سریع‌تر اسناد بین‌المللی مربوط و اجرای دقیق آن و نظارت بر اجرای آن، وضع قوانین داخلی مناسب یا تغییر آنها جهت هماهنگی با اسناد بین‌المللی، همکاری با گروه‌های فعال حقوق بشر و سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی (یا منطقه‌ای)، آموزش و آگاهی دادن به افراد از طریق رسانه‌ها یا تهیه جزوات، و بروشورها و اطلاعیه‌ها، (به ویژه به زنان و کودکان)، آموزش و آماده‌سازی پلیس و تعقیب و محاکمه قاچاقچیان و کمک ارائه خدمات و برخورد مناسب با قربانیان (از طرق مختلف مثل تهیه بنگاه‌های خاص این افراد، مراقبت‌های پزشکی، مشاوره حقوقی، ارائه کمک هزینه زندگی و...) و تلاش برای بازگرداندن این افراد به وطن خود، تا حد زیادی به کنترل قاچاق انسان کمک کنند. بنابراین با برنامه‌ریزی دقیق و مطالعه شده کشورها چه در سطح ملی و یا بین‌المللی و همکاری نزدیک آنها با هم اگر نگوئیم که شاهد امحاء کامل قاچاق انسان بود، ولی حداقل شاهد کاهش آن، خواهیم بود. به امید روزی که شاهد یک جهان امن باشیم.

منابع و مأخذ:

الف- فارسی:

۱. اشتری، بهناز، (۱۳۸۵)، قاچاق انسان، بردگی معاصر، تهران: نشر میزان.
۲. دیوب، اس.سی.، (۱۳۷۷)، نوسازی و توسعه، در جستجوی قالب‌های فکری بدیل، ترجمه سید احمد موثقی، تهران: نشر قومس.
۳. سیف، احمد، (۱۳۸۰)، جهانی کردن فقر و فلاکت، تهران: آگاه.
۴. کولایی، الهه، (۱۳۸۶)، عوامل و انگیزه‌های قاچاق انسان (با تأکید بر آسیای مرکزی)، فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، شماره ۴.
۵. مصفا، نسرين و، (۱۳۸۳)، کنوانسیون حقوق کودک و بهره‌وری از آن در حقوق داخلی ایران، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۶. معظمی، شهلا، (۱۳۸۴)، جرم سازمان یافته و راهکارهای جهانی مقابله با آن، تهران: نشر دادگستر.
۷. نایره، ژولیبوس، (۱۳۷۶)، چالش جنوب، گزارش کمیسیون جنوب، ترجمه ابراهیم خلیلی، تهران: نشر قومس.
۸. هریسون، پل، (۱۳۶۴)، درون جهان سوم، ترجمه شاداب و جدی، تهران: انتشارات فاطمی.
۹. سلیمی، صادق، (۱۳۸۲)، جنایات سازمان یافته فراملی، انتشارات تهران صدرا.
۱۰. انصاری، سنا، (۱۳۸۴)، پایان نامه کارشناسی ارشد، قاچاق زنان و کودکان با توجه به اسناد بین‌المللی، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد.

۱۱. صالحی، مرتضی، (۱۳۸۵)، پایان نامه کارشناسی ارشد، قاچاق انسان (با تاکید بر قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب تیر ۱۳۸۳)، دانشگاه آزاد، دانشکده حقوق واحد تهران مرکز.
- ۱۲ - روزنامه شرق شماره ۳۴۴.

ب - خارجی:

1. Chriss Corrin, (1999), feminist perspectives on politics, London 7 New york: Longman.
2. Legislative guide for the implementation of the united nations convention against transnational organized crimes and the protocols there to united nations, (2004), New yok, ISBN-92-1-133728-3.

ج - اینترنتی:

1. <http://www.no-trafficking-org/content/about-human-trafficking/about-human.htm>
2. <http://www.iran-newspaper.com/1384/840115/html/women.htm>
3. <http://www.un.org/WCAR/e-kit/backgrounder2.htm>
4. <http://www.humantrafficking.org/countries/Jpan>
5. <http://www.humantrafficking.org/updats/392>
6. <http://www.humantrafficking.org/countries/china>
7. <http://www.humantrafficking.org/updats/228>
8. <http://www.humantrafficking.org/countries/Australia>
9. <http://www.humantrafficking.org/updat/477>
10. <http://www.un.org/womenwatch/daw/cedaw/history/htm>
11. <http://www.un.org/womenwatch/daw/cedaw/cedaw/htm>
12. <http://ww.Unodc.org/unodc/en/trafficking-victims-consents.html>
13. <http://www.znan.co.ir/social/00423.html>
14. <http://www.unic-ir.org/hr/hr35.pfl>

از این نویسندگان مقالات زیر در مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی منتشر شده است:

- «نوسازی و اصلاح دینی از دیدگاه سیدجمال‌الدین اسدآبادی»، سال ۷۰، شماره ۲۶؛ «روشنفکر و رابطه‌اش با حقیقت و نظم در پروژه مدرنیته»، سال ۷۹، شماره ۴۸؛ «پدرسالاری و مدرنیته»، سال ۷۹، شماره ۵۰؛ «بررسی تجربه نوسازی فرهنگی و سیاسی در ترکیه در فاصله سال‌های ۱۹۵۰-۱۹۲۰»، سال ۸۰، شماره ۵۲؛ «اقتصاد سیاسی ترکیه در فاصله سال‌های ۱۹۵۰-۱۹۲۰»، سال ۸۰، شماره ۵۴؛ «رابطه دین و سیاست در ایران (یک بررسی تئوریک و تاریخی)»، سال ۸۲، شماره ۵۹؛ «توسعه، سیر تحول مفهومی و نظری»، سال ۸۳، شماره ۶۳؛ «نوسازی و اصلاحات در ایران معاصر»، سال ۸۴، شماره ۶۹؛ «اقتصاد سیاسی ایران در دوره جمهوری اسلامی»، سال ۸۵، شماره ۷۱؛ «گفتگو و توسعه»، سال ۸۶، شماره ۲.

**Global Trafficking in Women and Children:
Major Source Regions and Destinations (U)**

